

علم أصول الفقه

١٣-٧-٩٠ القسم الثاني: الحجة على

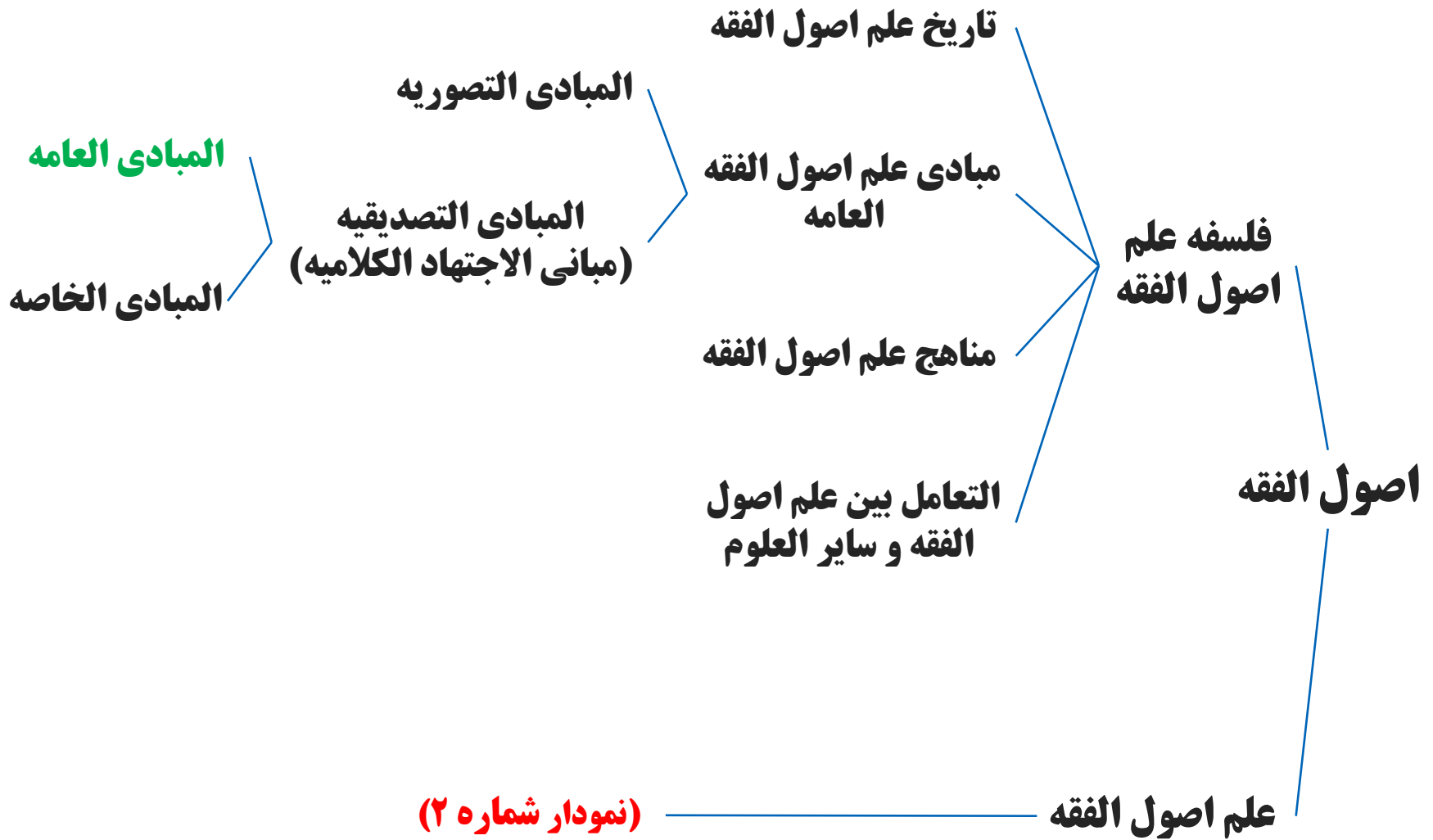
٣

النظام

دراسات الأستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه

(نمودار شماره ۳)

الفصل الاول:
الحجه المحرزه

(نمودار شماره ۴)

الفصل الثاني:
الحجه غير المحرزه

(نمودار شماره ۵)

الفصل الثالث:
تعارض الحجج

القسم الاول: الحجه
على الحكم او المذهب

الحجه

القسم الثاني:
الحجه على النظام

فهرست اصول استنباط نظام

- ۱. نظریه اندیشه مدون در اسلام
 - ۱.۱. مراتب دین
 - ۱.۱.۱. دین نفس الامری
 - ۱.۱.۲. دین مرسل
 - دین خاتم
- ۲.۱. عناصر موقعیتی در دین خاتم

فهرست اصول استنباط نظام

- ۳.۱. طبقه بندی عناصر جهان شمول (نظریه اندیشه مدون در اسلام)
 - ۱.۳.۱. فلسفه
 - ۲.۳.۱. مکتب
 - ۱.۲.۳.۱. مبانی
 - ۲.۲.۳.۱. اهداف
 - ۳.۳.۱. نظام
 - ۱.۳.۳.۱. نهاد
 - ۴.۳.۱. حقوق جهان شمول (احکام ثابت)

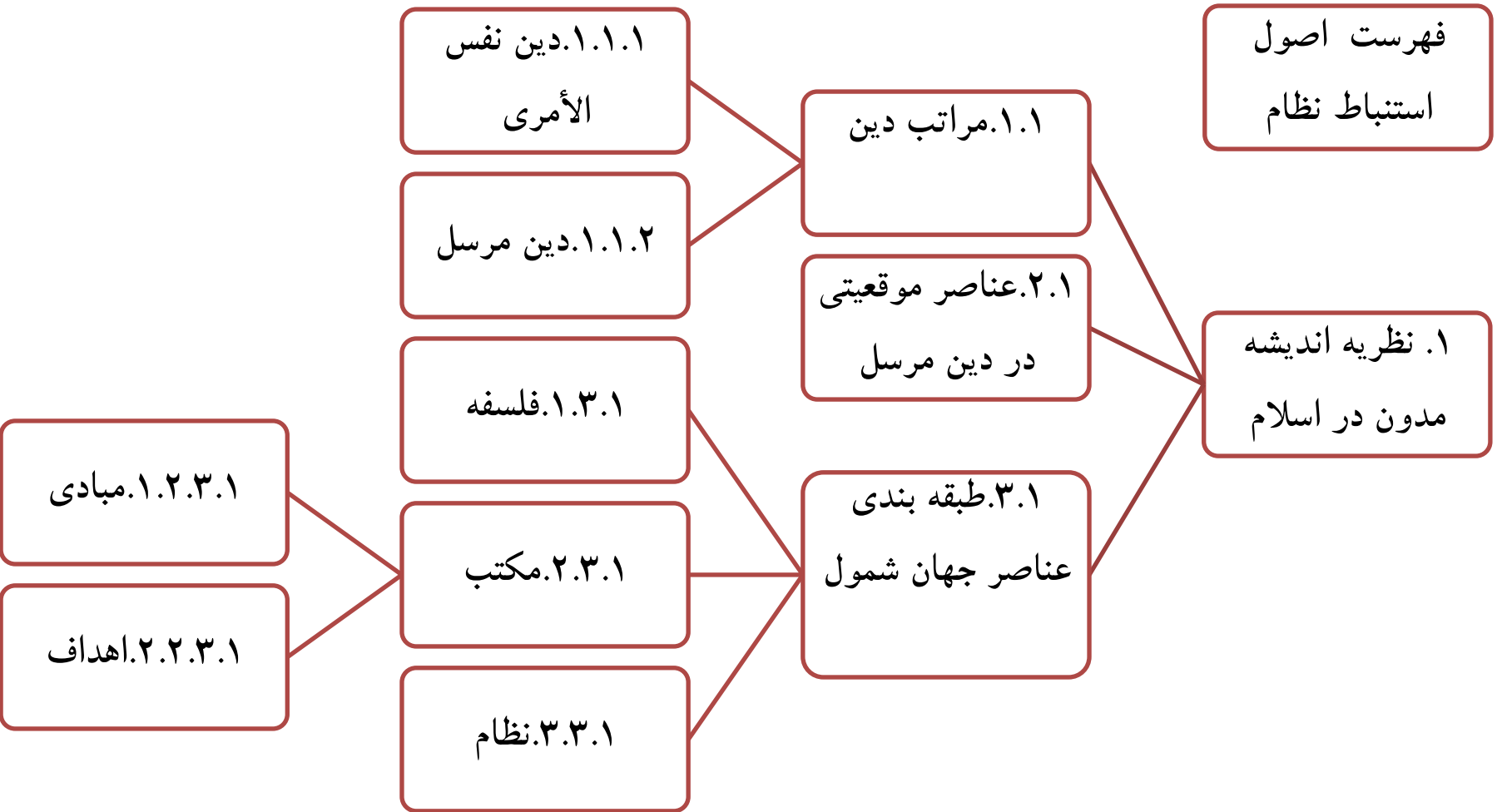
فهرست اصول استنباط نظام

۴.۱. ویژگی های نظام

- ۱.۴.۱. جهان شمولی
- ۲.۴.۱. فقهی بودن
- ۳.۴.۱. مبتنی بر مبانی مکتب در جهت اهداف
- ۴.۴.۱. متشکل از نهادها
- ۵.۴.۱. زیر بنای برخی از حقوق جهان شمول
- ۶.۴.۱. امری موجود و قابل کشف

فهرست اصول استنباط نظام

- ۲. اصول استنباط نظام
 - ۱.۲. مقدمه (اصول استنباط نظام بخشی از علم اصول فقه)
 - ۲.۲. مراحل استنباط نظام
 - ۱.۲.۲. شناسایی عناصر جهان شمول
 - ۲.۲.۲. تفکیک عناصر فقهی از غیر فقهی
 - ۳.۲.۲. تفکیک عناصر نظام از مکتب
 - ۴.۲.۲. شناسایی نحوه ارتباط نهادهای نظام



أ. ثبات و تغییر در دین

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

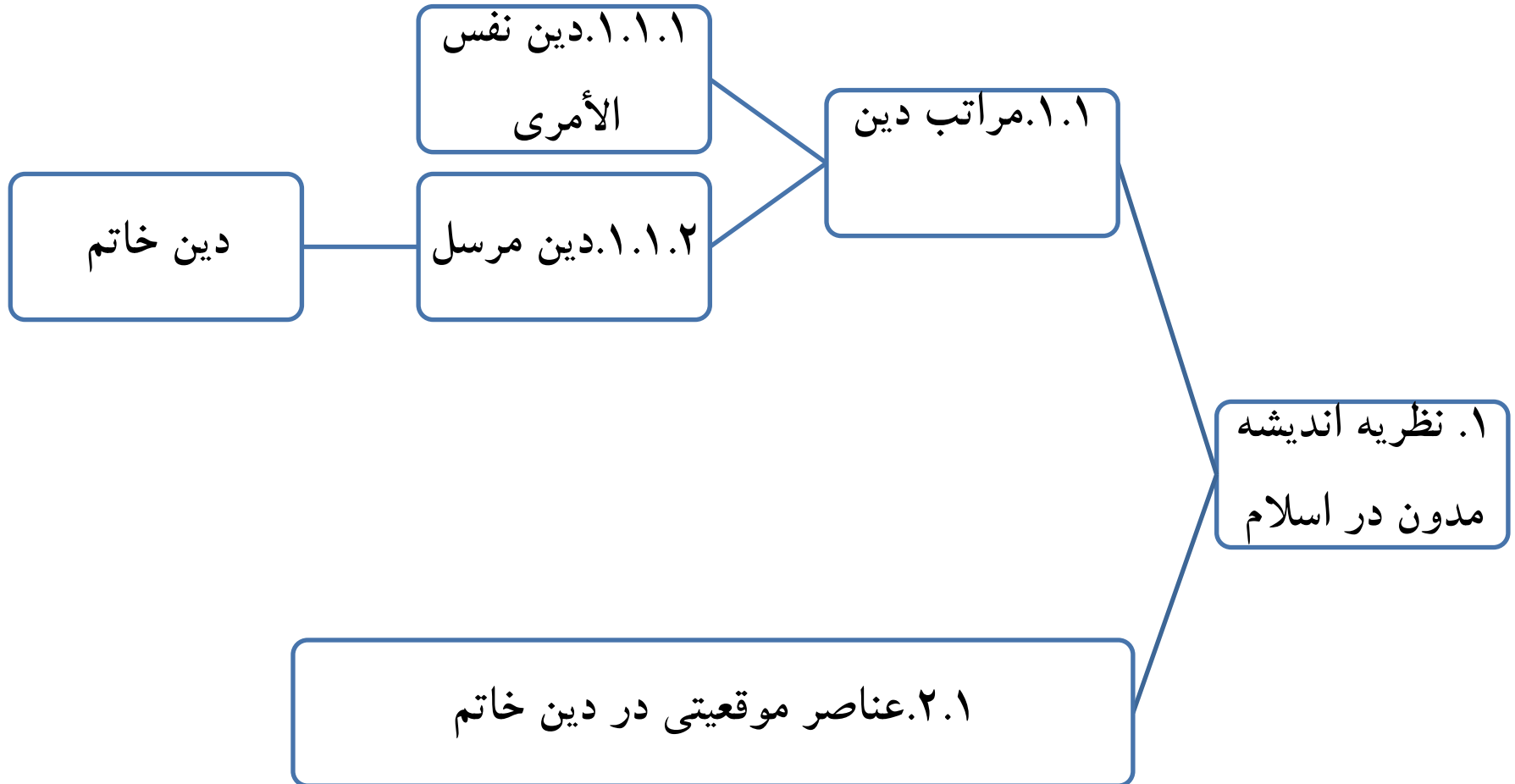
ج. جمع بین حکم ظاهری و واقعی

د. اجزاء

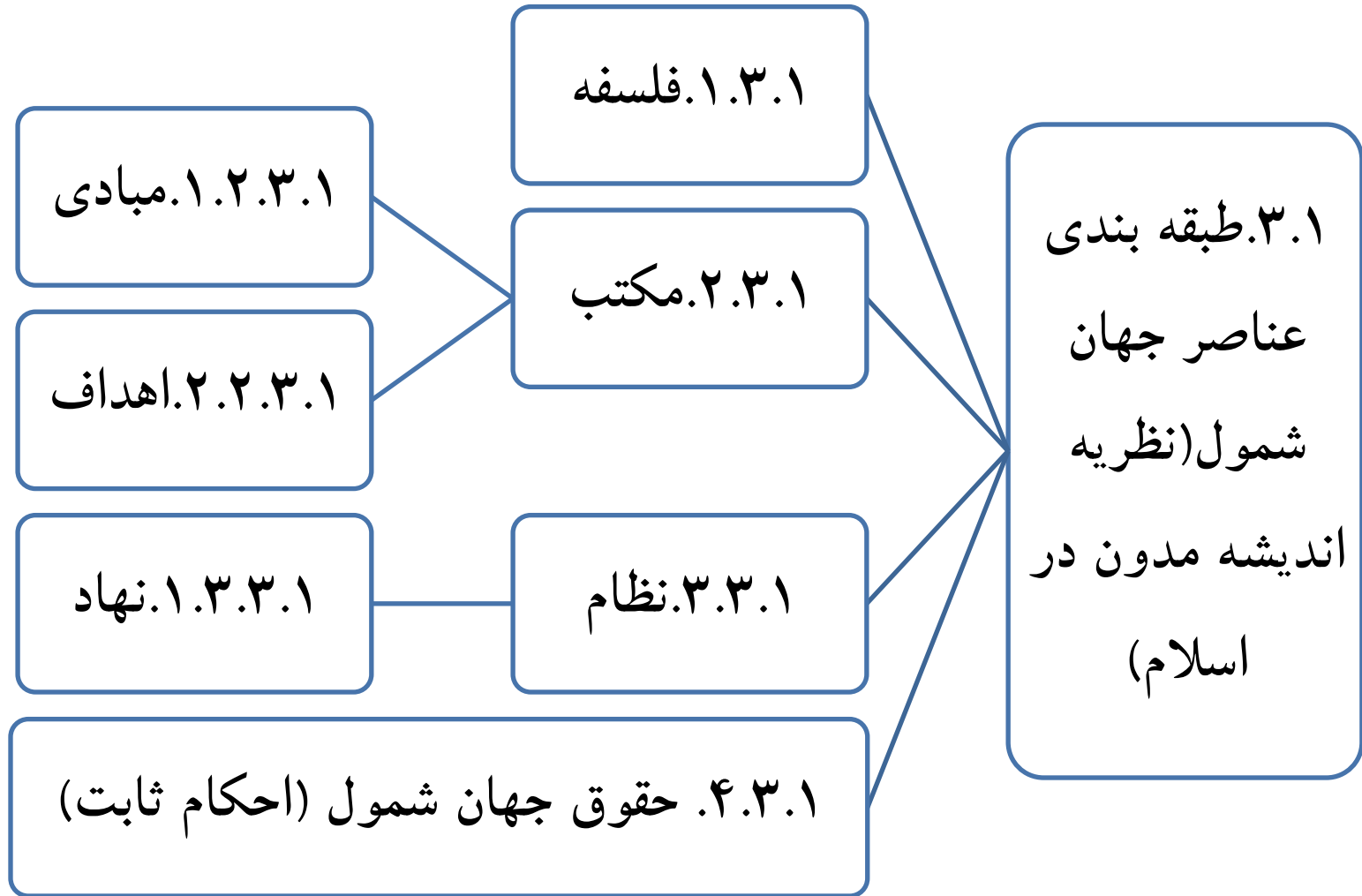
هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

مبادی مشترک
تصدیقی

فهرست اصول استنباط نظام



فهرست اصول استنباط نظام



نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام را، حدوداً در سال ۱۳۶۸ مطرح کردیم. از آن زمان تا کنون، این نظریه بارها منتشر شده است. اولین بار در مقالات مربوط به پنجمین کنفرانس دار القرآن در مدرسه‌ی حضرت آیت الله گلپایگانی مطرح و مورد بحث و انتقاد قرار گرفت. در مقاله‌ی زمان و مکان در اجتهاد از دیدگاه امام خمینی با شکلی تغییر یافته دوباره مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس این نظریه با یک تعدیلی در کتاب ولایت فقیه منتشر شد. در بعضی سمینارهای خارج کشور و در مجلات دیگر هم همان شکل از نظریه که در سمینار امام خمینی طرح شده بود، مطرح گردید. شکل نسبتاً کامل نظریه در بحث مبانی کلامی اجتهاد ذکر شد و با یک کمی اصلاحات و تکمیل، در ابتدای کتاب مکتب و نظام اقتصادی اسلام قرار گرفت.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- تا کنون دیدگاه‌های بسیار زیادی در مورد این نظریه ارایه شده و سعی بر این بوده که نظریه با اساتید معروفی چون آقای مصباح، آقای امینی، آقای سبحانی مورد مطالعه قرار گیرد.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- به نظر من این نظریه به قدری واضح و روشن است که از قبیل قضایای فطری - قضایایی که قیاساتها معها است - می‌باشد. یعنی اگر کسی بتواند این نظریه را تصور کند، آن را تصدیق می‌نماید. پیکره‌ی اصلی نظریه بسیار واضح است و شاید همین وضوح موجب گشته که چندان مورد توجه قرار نگیرد. مطالب مطرح در این نظریه در اسلام تازگی ندارد؛ آنها همیشه در اسلام بوده و هست؛ ولی شاید آن قدر واضح بوده که طرح آنها از سوی علما لازم نبوده است و یا علما نیازی نمی‌دیدند که آنها را بیان کنند.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- آنها بر اساس نیازهای زمان و مکان خود به طرح مباحث می‌پرداختند و در زمان آنها نیازی به طرح اسلام به صورت یک نظام سیستمی وجود نداشت. اما امروز این بحث مطرح است. حتی قبل از طرح نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون، در همین دوران متأخر کسانی همانند شهید صدر و شهید مطهری، مرتبط بودن مفاهیم اسلامی به هم را مطرح کرده‌اند و معتقد بودند که اسلام، مجموعه‌ای مرتبط و سیستمی است و صاحب نظام می‌باشد. بنابراین امروز با طرح دیدگاه سیستمی و نظام‌مند اسلام، نیاز به بحث‌های جدی در این زمینه احساس می‌شود.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- البته مرتبط بودن عناصر دین خاتم با یکدیگر، مطلبی نیست که امروز مورد توجه قرار گرفته باشد. در نزد علمای گذشته نیز این مطلب واضح بوده است. آنها هم بر این باور بودند که اسلام، اجزای پراکنده و بی‌ارتباط به هم نیست.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- سید مرتضی در ذریعه به ارتباط مسایل علوم در حوزه‌ی اسلامی با یکدیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر بخواهیم هر چه را که جنبه‌ی مقدمیت برای علم اصول دارد، در اصول ذکر کنیم، آن وقت باید همه چیز را در اصول بیاوریم.
- این سخن سید مرتضی نشانگر ارتباط مسایل کلامی، فلسفی، اصولی با یکدیگر و تأثیر دیدگاه‌های هر یک از آنها بر دیگری است.

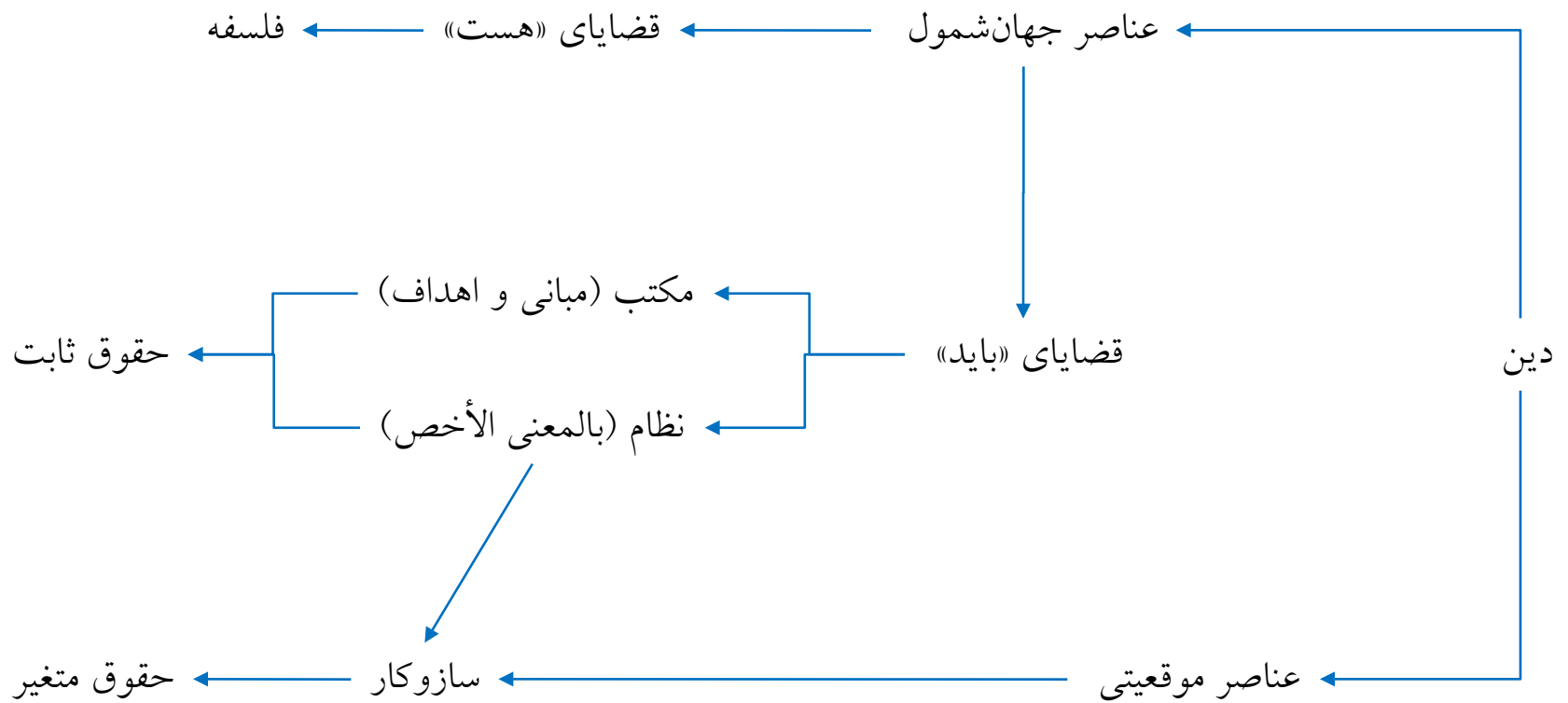
نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- نقطه‌ی کلیدی در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام این است که اسلام در هر زمینه از زمینه‌های حیات بشر، مجموعه‌ای مرتبط از مفاهیم را عرضه کرده است.
- ما این مجموعه را **نظام بالمعنی الأعم** می‌توانیم بنامیم.
- این مفاهیم (**نظام بالمعنی الأعم**) اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و به تعبیر شهید مطهری ثابت و به تعبیری که ما اینجا به کار می‌بریم، **جهان شمول** است.

نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- اقتصاد، سیاست، تربیت، قضاوت و... هر کدام زمینه‌ای از حیات بشر هستند که بر اساس این نظریه، اسلام در هر یک از آنها مجموعه‌ای مرتبط از مفاهیم (**نظام بالمعنی الأعم**) را عرضه کرده است.
- در اینجا برای روشن شدن شدن مطلب، تطبیق نظریه را بر زمینه‌ی اقتصاد توضیح می‌دهیم، و با اصطلاحات فلسفه، مبانی، اهداف مکتب و... که در این نظریه به کار می‌روند، آشنا می‌گردیم.

بنابراین، ما در هر ساحت از حیات بشر با چهار گروه از عناصر جهان شمول: فلسفه، مکتب، نظام و حقوق مواجه هستیم، که بین آنها ارتباط مستحکم و منطقی وجود دارد.



- وقتی سخن از «فلسفه» در این بحث به میان می‌آید، مراد متافیزیک و ماوراء الطبیعة نیست که در فلسفه‌ی رایج اسلامی به آن توجه می‌شود. بلکه مقصود مفهومی نزدیک به فلسفه‌های مضاف، مانند فلسفه‌ی ریاضی و فلسفه‌ی هنر می‌باشد.

- در فلسفه‌های مضاف از چهار امر بحث می‌شود:
- ا. تاریخ تحوّل آراء
- ب. مبانی،
- ج. روش‌ها،
- د. تعامل علم با سایر علوم

- و در اینجا مراد ما از «فلسفه» فقط مبانی برخاسته از اسلام و جهان بینی آن است.

- با این وصف، «فلسفه ی علم اقتصاد» یا «فلسفه ی اقتصاد» (۱۸) از مبانی، روش ها و تاریخ تحوّل آراء در این علم بحث می کند. در حالی که اگر ما در زمینه ی اقتصاد به دنبال «فلسفه ی اقتصادی اسلام» هستیم، در واقع اموری را جست و جو می کنیم که نمود اعتقادات اسلامی در حوزه ی اقتصاد محسوب می شود و به عنوان مبنایی برای «مکتب اقتصادی اسلام» تلقی می گردد.

- مطالبی مانند، مدبریت و رزاقیت و مالکیت مطلقه ی خداوند متعال، محدودیت یا عدم محدودیت نیازهای انسان و منابع طبیعی موجود در این جهان، که به نوعی در مبانی و اهداف اقتصادی تأثیر می گذارند، در فلسفه ی اقتصادی اسلام مورد بحث قرار می گیرد.

- می‌دانیم اسلام دارای یک سری اعتقادات است که باور به آنها، در رسیدن انسان به هدف مطلوب (هدفی که برای آن خلق شده)، دخالت دارد. بحث در امور اعتقادی از نوع بحث‌های فلسفی و کلامی است یعنی آنها از حقایق هستند. این مفاهیم اعتقادی با مفاهیم دیگر بشری در زمینه‌های مختلف حیات، ارتباط دارند و در آنها نمود پیدا می‌کنند. بخشی از آنها با مفاهیم اقتصادی مرتبط است.

- مثلاً در اعتقادات، خداوند را صاحب صفاتی می‌دانیم و آن صفات را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: ا. صفات ذات. ب. صفات فعل. یکی از صفات فعل «رازق» است. خدا روزی دهنده‌ی مخلوقات خویش است. بحث در مورد صفات خداوند، یک بحث کلامی است و صبغهی کلامی و اعتقادی دارد. اما همین بحث اعتقادی با اقتصاد ارتباط پیدا می‌کند و در آن نمود می‌یابد.

- اقتصاد در یک تعریف ابتدایی، دانشی است که در مورد منابع کمیاب سخن می‌گوید. و مراد از منابع کمیاب، منابعی است که اگرچه همه‌ی ابنای بشر نمی‌توانند بی‌حد از آنها استفاده کنند ولی به هر حال در حیات بشر دخالت دارند. این منابع در یک معنای وسیع در رزق قرار می‌گیرند؛ زیرا رزق فقط آب و غذا نیست؛ بلکه تمام چیزهایی را در بر می‌گیرد که بشر در معیشت به آن نیازمند است. بنابراین مفهوم رازقیت خداوند که یک مفهوم اعتقادی است، در حوزه‌ی اقتصاد معنا دار می‌شود و آنجا است که نسبت به بعضی مطالب اقتصادی، دآوری‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی آشکار می‌گردد.

- به عنوان نمونه: دیدگاه‌های بدبینانه‌ای در مورد اقتصاد وجود دارد. گفته می‌شود: رشد جمعیت در مقایسه با رشد منابع به گونه‌ای است که به مرور زمان، منابع پاسخ‌گوی نیاز بشر نخواهد بود و بشر حتماً به نقطه‌ی قحطی می‌رسد.

- این همان بحثی است که مالتوس مطرح کرد. او گفت: رشد بشر تصاعد هندسی دارد و رشد منابع تصاعد حسابی. در نتیجه به مرور اینها خیلی از هم فاصله می‌گیرند. و منابع جواب-گوی بشر نخواهد بود.
- در مقابل، شهید صدر معتقد است که نظریه‌ی مالتوس با روایات و آیاتی که خداوند را رازق معرفی می‌کند، تنافی دارد.

- با توجه به این نمونه واضح می‌شود که چگونه آن امر اعتقادی در این بحث اقتصادی معنا دار می‌شود و قضاوت‌هایی نسبت به آن ارایه می‌گردد. اگر خداوند رازق است که هست، هیچ‌گاه نظریه مالتوس درست نخواهد بود. این نمونه، یکی از گزاره‌های مطرح در این زمینه است. اگر مجموعه‌ی عقاید خویش را جست-وجو کنیم، مفاهیم متعددی در رابطه با اقتصاد می‌توانیم استخراج کنیم.

- ما نام این مجموعه از مفاهیم را که از حوزه‌ی عقاید دینی در زمینه‌ی اقتصاد به دست می‌آید و نمود اعتقادات اسلام در حوزه‌ی اقتصاد محسوب می‌شود، فلسفه‌ی اقتصاد اسلام می‌نامیم. به عبارت دیگر بخشی از فلسفه‌ی اقتصاد، همین مفاهیم تکوینی است. ما در فلسفه‌ی اقتصادی اسلام، دیدگاه اسلام را نسبت به جهان، نسبت به انسان و ارتباط انسان با جهان مطرح می‌کنیم و از آنجا که این بحث‌ها همانند دیگر مفاهیم اعتقادی از مفاهیم تکوینی هستند و ناظر به حقایق دینی می‌باشند، بحث فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی، صبغه‌ی کلامی و فلسفی دارد. در فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی از امور اعتباری صحبت نمی‌شود.

- «مکتب» در یک زمینه **مجموعه‌ی مبانی و اهداف** در آن حوزه است.

- و «مبانی» همان امور مسلمی است که در یک حوزه از سوی دین ارائه و به عنوان بستر و زیر بنای نظام در آن زمینه تلقی شده است.
- «اهداف» غایاتی است که دین در هر زمینه برای انسان ترسیم کرده است.

- بنابراین، «مکتب اقتصادی اسلام» شامل «مبانی اقتصادی اسلام» و «اهداف اقتصادی اسلام» می‌باشد. اموری مانند مالیت و ارزش، آزادی فعالیت های اقتصادی و حدود آن، جایگاه دولت در اقتصاد و قواعد توزیع منابع طبیعی، ثروت و درآمد در زمره ی «مبانی اقتصادی اسلام» و عدالت اقتصادی، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی، رشد، استقلال و خودکفائی، در عداد «اهداف اقتصادی اسلام» می باشند.

- اسلام در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی، یک سری مبانی دارد که از سنخ مفاهیم اعتباری-اند و جزو مباحث فلسفی به شمار نمی‌آیند.

- یکی از مهم-ترین مبانی اقتصادی در اسلام، **مالکیت** است. به تعبیر دیگر مالکیت، یکی از پیش فرض‌های اقتصادی می‌باشد.
- اسلام اولاً - بر خلاف برخی اقتصاددانان بزرگ که مالکیت را نوعی دزدی می‌دانند و آن را نمی‌پذیرند - اصل مالکیت را می‌پذیرد و ثانیاً آن را به انواعی تقسیم می‌کند.
- در اسلام مالکیت خصوصی، مالکیت دولتی، مالکیت مجموعه‌ای از مسلمانان و... به عنوان **انواعی از مالکیت** مطرح هستند.

- باز از جمله مبانی اقتصادی اسلام، **آزادی اقتصادی** است. انسان‌ها در نظر اسلام می‌توانند در زمینه‌های مختلف اقتصادی فعالیت کنند. و اگر چه مرز این آزادی‌ها در اسلام معین شده است، اما اصل آزادی امری مسلم و مورد پذیرش اسلام است.

- اسلام در حوزه‌ی اقتصاد، اهدافی نیز دارد. یعنی در اقتصاد، خواهان تأمین یک سری چیزها و تحقق یک سری شاخص‌ها است.
- شهید صدر در کتاب اقتصادنا به صورت کامل، تمامی اهدافی را که اسلام برای اقتصاد در یک حکومت اسلامی دنبال می‌کند، توضیح می‌دهد.
- نمونه‌های زیر برخی اهدافی هستند که در اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود.

- اسلام خواهان برخورداري افراد جامعه از حداقل امکانات لازم برای زندگی است.

- اسلام می خواهد که فاصله‌ی بین طبقاتی که از سهم بالای اقتصادی برخوردارند و طبقاتی که از سهم پایین برخوردارند، در یک حد قابل تحملی باشد. او اصرار ندارد که سهم همه‌ی مردم از امکانات اقتصادی، مساوی باشد. اسلام تساوی را عدالت نمی‌داند زیرا اعتقاد دارد که توانایی‌های افراد متفاوت است. اما سعی کرده این تفاوت در حد قابل تحمل و معقولی باقی بماند.

- اسلام در یک نظام مشخص و معینی که در جای خود توضیح داده شده است، سعی کرده تحقق این اهداف را عینیت بخشد.
- یکی از چیزهایی که برای از بین بردن فاصله‌های طبقاتی غیر قابل تحمل و غیر معقول در اسلام مطرح می‌شود، زکات است. آیه‌ی «کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم» (حشر، ۷) که به عنوان نکته‌ی زکات بیان می‌شود، اشاره به همین مطلب دارد.
- به طور کلی در جامعه‌ی اسلامی، سامان دهی باید به گونه‌ای باشد که اهداف اقتصاد اسلامی در آن تأمین گردد.

- ما به مجموعه‌ی **مبانی** اقتصادی اسلام و **اهداف** اقتصادی اسلام، **مکتب** اقتصادی اسلام می‌گوییم.
- کتاب اقتصادنا در واقع توضیح مکتب اقتصادی اسلام است. در این کتاب نه چندان به فلسفه‌ی اقتصادی اسلام پرداخته شده و نه چندان به بحث نظام که بعداً توضیح می‌دهیم. بیشترین هم‌شهود صدر، کشف مکتب اقتصادی اسلام بوده و بحث‌های دیگر را به صورت استطرادی مطرح کرده است.

- همه‌ی مفاهیم در **مکتب** اقتصادی اسلام از سنخ مفاهیم اعتباری-اند.
- مالکیت، آزادی اقتصادی، انواع مالکیت، این که باید فاصله‌ی فقیر و غنی در حد معینی باشد و به طور کلی همه‌ی بایدها، نوعی اعتبار هستند.
- از این رو همان طور که قبلاً نیز گفتیم، استنباط مکاتب و از جمله مکتب اقتصادی اسلام، یکی از وظایف فقها است. مکتب اقتصادی، مکتب سیاسی،... در حوزه فقه است و استنباط آنها کار فقها.

- از آن جا که اصطلاحات اهداف، مبانی، مکتب و... تفاسیر مختلفی دارند، در انتخاب اسامی در این نظریه سعی شده نزدیک-ترین مفهوم به مفاهیم شناخته شده‌ی این اصطلاحات در نظر گرفته شود.

- کار شهید صدر در اقتصادنا اولین نمونه و شاید بزرگ-ترین کار در زمینه‌ی شناسایی مکتب اقتصادی اسلام بود. شاید هنوز هم اثر او در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی از بزرگ-ترین آثار در این حوزه باشد. کتاب شهید صدر، تنها کتابی است که تمام محیط-های سنی به عنوان کتاب بسیار بسیار مهم می‌شناسند. حتی در دانشگاه‌های عربستان این کتاب به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. خیلی از اساتید برجسته‌ی آن دانشگاه‌ها که نگاه حاد سلفی و وهابی داشتند، درس گرفتن این کتاب و شاگردی آن را از افتخارات خود می‌دانند. آنها این کتاب را بهترین در اقتصاد معرفی می‌کنند.

- همه‌ی کارهایی که بعد از ایشان در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی انجام شد، عمدتاً ناظر به مکتب اقتصادی اسلام و مُلْهَم از کتاب وی است. کتاب اقتصادنا، به عنوان مرجع اصلی اقتصاد اسلامی مطرح می‌باشد و مکتب اقتصادی اسلام به دلیل این کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

- همین جا یادآور می‌شویم که شهید صدر وقتی مکتب اقتصادی اسلام را بیان می‌کند. می‌گوید من فقط می‌خواهم الگویی نشان دهم تا معلوم گردد که مکتب اقتصادی اسلام معنا دارد. خود او تصریح دارد که برخی از آن‌چه در کتاب ذکر نموده، به عنوان یک دیدگاه مورد قبول خودش نیست. یعنی آنها چیزهایی هستند که دیگران پذیرفته‌اند، اما نظر شخص شهید صدر بر آنها تطبیق نمی‌کند. به عبارت دیگر شهید صدر فقط در صدد طرح دیدگاه خودش در کتاب اقتصادنا نبوده است، از این روی از دیدگاه‌ها و فتاوای دیگران هم استفاده کرده است؛ زیرا او فکر می‌کرد کشف مکتب یک متمدن بیشتر ندارد. به همین جهت مجبور شد از همان روش استفاده کند. اما ما متمدن‌ها را متعدد می‌دانیم و روش‌های دیگری را نیز مطرح می‌کنیم. بنابراین با محدودیت شهید صدر از این جهت مواجه نیستیم و بالطبع در کتاب نظام و مکتب اقتصادی اسلام سعی کردیم نظر خودمان را ارایه نماییم.

نظام (بالمعنى الأخص)

- نکته‌ی دیگری که در این نظریه مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که اسلام چگونه بر اساس مبانی به اهداف خویش دست می‌یابد؟

نظام (بالمعنى الأخص)

- اسلام بين مباني و اهداف يك سرى مفاهيم قرار داده تا جامعه را بر اساس مباني به اهداف مورد نظر اسلام برساند.
- اين مفاهيم با هم مرتبطند. اين مجموعه‌ی مرتبط را، **نظام** (بالمعنى الأخص) می‌ناميم.
- بنابراین فرضاً نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از مفاهيم (نهاده‌ها) است که بر اساس مباني اقتصادی اسلام، جامعه را به سوی اهداف اقتصادی اسلام سوق می‌دهد.